

تهدیدهای جریان سلفی تکفیری در شمال غرب و راهبردهای مقابله

رسول عابدینی^۱

چکیده

محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران سرشار از تهدیدها و فرصتهایی است که منافع و امنیت ملی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. شناخت و سنجش تهدیدهای نوین و فرصت‌های جدید برای کشور از یک‌سو و پیدایش زاویه‌های متفاوت آن، نیازمند تدوین راهبردهای مناسب است. از آنجاکه مناطق کردنشین شمال غرب ایران دارای مرزهای مشترک با دو کشور ترکیه و به‌خصوص عراق می‌باشد و ترکیبی از فرقه‌های مذهبی از جمله شیعه و سنی را در خود جای داده و این منطقه قبل و بعد از پیروزی انقلاب و حتی تاکنون مستعد ناامنی بوده است و امنیت مردم منطقه مدام مورد تهدید واقع شده در نتیجه یکی از خاستگاه‌های دشمن برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و از طرفی فرقه سازی در جهان اسلام، از نقشه‌های قطعی استعمارگران بوده و هست؛ بنابراین هدف این پژوهش شناخت تهدیدهای جریان سلفی تکفیری در شمال غرب جمهوری اسلامی و راهبردهای مقابله؛ می‌باشد. با شناخت محیط امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران (نقاط قوت و ضعف)، شناخت گروه‌های سلفی تکفیری (تهدیدها و فرصت‌ها)، شناخت وضعیت جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جریان‌های سلفی تکفیری، به تعیین و تبیین راهبردهای مقابله با جریان‌های سلفی تکفیری می‌پردازد.

در این پژوهش ابتدا ادبیات نظری تحقیق و سپس با استفاده از روش پیمایشی، مطالعات میدانی و تعیین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها به شیوه (SWOT) راهبردهای مقابله با جریان‌های سلفی تکفیری از سوی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده و سپس راهبردهای ارائه شده با استفاده از روش ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی (QSPM) اولویت‌بندی شده است. بر اساس نتایج به‌دست آمده وضعیت جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جریان‌های تکفیری در حالت تهاجمی قرار دارد و باید راهبردهای مناسب در جهت تقویت نقاط قوت برای استفاده حداکثری از فرصت‌ها و کم



کردن نقاط ضعف داخلی و مقابله با تهدیدها ناشی از فعالیت جریان‌های سلفی تکفیری تدوین و اجرا گردد.

واژگان کلیدی: تهدید، راهبرد، جریان سلفی تکفیر، محیط امنیتی.

مقدمه:

محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به دلیل نقش تعیین‌کننده و بازیگری که به لحاظ تاریخی و ماهوی داشته، همواره در وضعیت رقابت و خصومت بوده؛ که به تنش و تهدید تبدیل شده است. امروزه خطر سلفی- تکفیری خطری بزرگ برای کل جهان و به‌خصوص جهان اسلام محسوب می‌شود و در عین، حال ایدئولوژی سلفی- تکفیری اولویت شیعه ستیزی را نسبت به دیگر اقدامات و آرمان‌های خود، بیشتر در عمل نشان داده است و به تبع این خطر، منافع شیعیان را در سراسر جهان دچار چالش و تنش کرده و به‌ویژه کشورهای شیعی عراق و ایران را هدف قرار داده است. ما باید در کارهایی که دشمن‌های ما می‌کنند، دقت کنیم و تحلیل کنیم، ببینیم که آن‌ها برچه چیز اهمیت می‌دهند و انگشت روی چه حیثیتی از حیثیت مسلمین می‌گذارند و بفهمیم که آنچه آن‌ها بر آن اصرار دارند، همان است که برای مسلمین و برای بشر بد است. ما از گفتار و کردار آن‌ها باید کشف کنیم که **آن‌ها چه می‌خواهند و ما باید چه بکنیم.**» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۴۷۰).

با توجه به اینکه مناطق کردنشین شمال غرب قبل و بعد از انقلاب اسلامی مستعد پیدایش بحران و ناامنی بوده و یکی از نقاط هدف دشمن برای اجرای استراتژی ایران هراسی و شیعه هراسی باوجود تفاوت‌های قومی و مذهبی مناطق کردنشین شمال غرب هست. از یک جهت دشمن با تحریک و ترغیب و پشتیبانی عوامل تشدیدکننده و همگرا کننده شکاف قومی و مذهبی در داخل و خارج و از طرف دیگر عملکرد نامناسب و سوء مدیریت‌ها موجب تقویت انگیزه گروه‌های سلفی تکفیری برای ناامنی می‌شود. جریان سلفی- تکفیری پدیده‌ای نامطلوب است که ریشه‌ها و عواملی در شکل‌گیری آن نقش دارند. تکفیر بر مبنای ایدئولوژی سیاسی خشونت‌آمیزی شکل گرفته که خود را مذهبی و پیرو دین و احیاگر سنت معرفی می‌کند. هدف این جریان ایجاد تغییرات و دگرگونی بنیادی در منطقه است؛ و از آنجاکه اندیشه‌های تکفیری بالارزش‌های والای اسلام ناب متناقض است و تندروی‌ها و افراطی‌گری خود را با ابزار دین و مذهب قابل توجیه می‌داند، شناخت تهدیدات آن برای مقابله ضروری و مقابله به‌جز از طریق شناخت درست میسر نیست.





درمجموع باید اشاره کرد یکی از تهدیدهای بالقوه برای کشور خطر سلفی تکفیری هست که در صورت غفلت از آن می‌تواند تهدیدات امنیتی جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد؛ بنابراین مسئله اساسی این پژوهش شناخت تهدیدهای امنیتی گروه‌های سلفی تکفیری در شمال غرب و راهبردهای مقابله می‌باشد؛ و برای تدوین راهبرد شناخت عوامل خارجی و داخلی بسیار ضروری است.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

اهمیت و ضرورت تحقیق در حدی است که دربند ۴ سیاست‌های فرهنگی ابلاغی برنامه پنجم توسعه توسط مقام معظم رهبری بر لزوم اجرای آن بدین شرح تأکید شده است. مقابله با جریانات انحرافی در حوزه دین و زدودن خرافات و موهومات»

هدف تحقیق:

شناخت تهدیدهای جریان سلفی تکفیری که در محیط امنیتی شمال غرب قرار دارند و راهبردهایی که باید برای مقابله با آن‌ها تدوین شوند.

سؤال اصلی تحقیق:

تهدیدهای جریان سلفی تکفیری در شمال غرب کشور و راهبردهای مقابله با آن کدامند.

نوع و روش تحقیق:

این پژوهش یک تحقیق کاربردی است و از نظر روش‌شناسی در زمره‌ی مطالعات توصیفی تحلیلی قرار دارد.

جامعه آماری و حجم نمونه:

جامعه آماری تعدادی از خبرگان، اساتید درزمینهٔ مسائل امنیتی، سیاسی و نظامی می‌باشند. حجم جامعه‌ی آماری ۳۰ نفر و حجم نمونه با توجه به جدول مورگان حداقل ۲۸ نفر می‌باشد که با توجه به اینکه حجم جامعه آماری برای داده‌ها و تغییرهای کمی محدود است، لذا از روش تمام شمار استفاده شده است و حجم نمونه برابر حجم جامعه و همان ۳۰ نفر از متخصصان امر انتخاب گردید و روش نمونه‌گیری نیز تمام شمار هست.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:

به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش کمی کردن یافته‌ها، از نرم‌افزارهای SPSS و برای ارائه‌ی «راهبرد» از تکنیک SWOT و برای اولویت‌بندی راهبردها از ماتریس QSPM بهره‌گیری می‌شود. در این روش، نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها به شیوه SWOT معین شده و با استفاده از روش دیوید راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی





ایران برای مقابله با جریان‌های تکفیری احصاء و سپس راهبردهای ارائه‌شده با استفاده از ماتریس کمی برنامه‌ریزی استراتژیک (QSPM) اولویت‌بندی می‌شود.

مبانی نظری

۱- تهدید:

ارائه یک تعریف دقیق از تهدید به دلیل چندوجهی بودن و ارتباطش با امنیت، منافع ملی، اهداف و راهبردها، پیچیده و مشکل است. تهدید در لغت به معنای بیم دادن، ترساندن و عقوبت دادن است. فرهنگ معین تهدید را ترساندن و بیم دادن معنی کرده و لرز تهدید را عبارت از هر چیزی که بتواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد، دانسته و معتقد است تهدیدات، منافع ملی را هدف قرار می‌دهند. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۶۷). منظور از تهدید، هر عنصر یا وضعیتی است که موجودیت و ارزش‌های حیاتی را به خطر بیندازد. تهدیدها را نیز می‌توان تقسیم‌بندی کرد. برخی از مهم‌ترین تهدیدات عبارت است از:

۱- تهدید نظامی و هجوم نیروهای نظامی یک کشور از طریق بمباران، خرابکاری و شورش

۲- تهدید اقتصادی باهدف اخلاص در نظام اقتصادی کشور دیگر

۳- تهدید سیاسی در قالب روابط دیپلماتیک و ...

۴- همچنین تهدید داخلی (امنیتی) تهدیدهایی است که منشأ آن در داخل کشور است مانند گروه‌های برانداز، تروریستی، سازمان‌های زیرزمینی و شورشگر و ... (شعبانی و فرهمند، ۱۳۸۹: ۲۶۹)

باری بوزان عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید را شامل موارد ذیل می‌داند:

۱- مشخص بودن هویت آن؛

۲- قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از نظر زمانی؛

۳- شدت احتمال وقوع تهدید؛

۴- اوضاع و شرایط تاریخی که باعث تقویت آن می‌شوند (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

سازمان معنایی تهدیدات امنیتی

تهدید از سه بخش اساسی «کارگزار یا عامل تهدید»، «حوزه تهدید»، «موضوع تهدید» تشکیل شده است.

در این پژوهش عامل یا کارگزار تهدید جریان سلفی تکفیری شمال غرب می‌باشد. حوزه تهدید مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران (ترکیبی از مردم، حاکمیت، مذهب





رسمی کشور و سایر موارد است). موضوع تهدیدات طیفی از تهدیدات نرم (مانند انجام عملیات روانی گسترده بر علیه مرجع امنیتی جمهوری اسلامی) تا تهدیدات سخت (مانند انجام عملیات تروریستی) را در بر خواهد داشت.

ماهیت تهدید:

الف- از جهت ابزار و شیوه‌های تهدید: در برخی از تهدیدات ابزارها و شیوه‌های تهدیدکننده، سخت و توأم با زور و اجبار است مانند تهدید نظامی یا تحریم اقتصادی؛ اما در مواردی ابزار یا شیوه مورد استفاده، نرم و غیر خشونت‌آمیز است مانند رسانه، فیلم و روش اقناع.

ب- از جهت هدف و سوژه تهدید: در برخی موارد هدف تهدیدکننده موضوعات سخت و عینی است مانند تخریب اماکن و تأسیسات نظامی و سیاسی و کشتن انسان‌ها و در موارد دیگر ممکن است هدف تهدیدکننده تغییر نگرش‌ها، افکار و علایق افراد یا جامعه باشد. (گروه مطالعات امنیت، ۱۲۱: ۱۳۷۸-۱۲۰)

مقاطع تهدید:

تهدید در فضای اجتماعی تهدید در فضای سیاسی تهدید در فضای امنیتی

مقطع تکوین مقطع ظهور مقطع تأثیر

فضای شناخت (تهدید/ فرصت) فضای مدیریت (تهدید/ فرصت) فضای پیشگیری (تهدید/ تولید فرصت)

شکل ۱- مقاطع سه‌گانه شناخت و تحلیل تهدید/ فرصت (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۲)

مشخص می‌شود که «تهدیدات» در مقطع تکوین، تصویری نامحسوس دارند که با شبکه‌ای پیچیده از روابط علی غیرمستقیم به تهدیدات عینی در «مقطع ظهور» مرتبط می‌شوند. به همین دلیل است که تحلیل گران امنیتی چون «جیمز اکائر» تأکید دارند که در مقطع تکوین توقع دستیابی به عوامل تأثیرگذاری که به‌طور مستقیم مفسر «تهدیدات» باشند، توقعی نابجاست و در مقام عمل محقق نخواهد شد. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۳)

۲- جریان سلفی تکفیری:

سلفی‌گری از منظر پژوهش حاضر، نوعی «جریان سیاسی» از درون حوزه دین و مذهب در تاریخ متأخر اسلامی به شمار می‌رود که در عین بهره‌مندی از سلف‌گرایی، مبتنی بر مناسبات خاصی از قدرت سیاسی با رویکرد منحصربه‌فرد است که در معنای کلان، بر





تمامی رهیافت‌ها و جریان‌های ایدئولوژیک «دولتی» و «غیردولتی» قابل اطلاق است و درصدد تجدید خلافت تاریخی و برساختن جوامع سنی مذهب بر پای قرائت سلفی از اسلام است. در تعریف عملیاتی از مفهوم سلفی گری می‌توان آن را مقوله مشکوک و دارای مراتب دانست که در عالم خارج، طیف وسیعی از سلفی گری «سنتی» و «معتدل» تا «سلفی گری افراطی» را در برمی‌گیرد (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۹۸).

تکفیر، پوشانیدن و انکار چیزی و یا نسبت کفر به کسی دادن و کافر خواندن اوست و به معنی از بین بردن هم آمده است. مفهوم تکفیر غیر از اشاره به کافر بودن دیگران، دارای ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک نیز هست؛ چون امروزه گفتمان تکفیر، دستاویزی برای بیرون راندن افراد از عرصه‌های مختلف ازجمله: دین، سیاست و حتی اقتصاد شده است و رویکردی مبتنی بر دفع دارد و نفوذ و غلبه‌اش را تحت عناوینی مانند حزب، تشکیلات سیاسی و پارتی، مذهب، مکتب و غیره تداوم بخشیده است؛ بر این اساس پدیده تکفیر با مبانی توحیدی اندیشه اسلامی مغایرت دارد.

سلفی گری تکفیری به گرایش گروهی از سلفیان گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمرد. بر اساس مبنای فکری آنان میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد. به این معنی که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبایر شود، از دین خارج شده و کافر شمرده می‌شود. چنین دیدگاهی موجب شده است که مسلمانان را به علت انجام امور مذهبی خود، در ردیف مشرکان قرار دهند و درنتیجه آنان را «مهدور الدم» شمارند.

تهدید امنیت ملی

با توجه به تعاریفی که از امنیت ملی ارائه شد، تهدیدات امنیت ملی را می‌توان تهدیداتی دانست که اهداف و ارزش‌های حیاتی یک کشور را به گونه‌ای در معرض خطر قرار دهند که بیم آن رود در اهداف و ارزش‌ها، تغییر ماهوی و اساسی صورت پذیرد. پس موضوع اساسی این است که نخست، برای هر کشور چه اهداف و ارزش‌هایی حیاتی هستند؟ و دوم، آن تهدیدها به تغییرات ماهوی و اساسی در اهداف و ارزش‌های یادشده می‌انجامد. در ابتدا به متغیر نخست می‌پردازیم. کشورها و نظام‌های سیاسی، اهداف و ارزش‌های گوناگونی را پی می‌گیرند که تنها برخی از آن‌ها حیاتی است. پس بر اساس تعریف بالا، تهدیدهایی که متوجه اهداف و منافع غیر حیاتی کشورها باشند، تهدیدات امنیت ملی به شمار نمی‌آیند.

دومین متغیر، احتمال ایجاد تغییر ماهوی و اساسی در اهداف و ارزش‌های حیاتی است. این مشخصه باعث می‌شود تا ما تهدیدهایی که منجر به براندازی یا دگرگونی اهداف و



ارزش‌های حیاتی می‌شوند را از اقدامات و کنش و واکنش‌هایی که به تکامل و پویایی آن اهداف و ارزش‌ها می‌انجامد، متمایز سازیم. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۷۱-۱۷۰)

منابع تهدید امنیت ملی

منابع تهدید برای امنیت ملی کشورها در سه حوزه قابل‌شناسایی‌اند:

۱- تهدیدات داخلی

۲- تهدیدات خارجی

۳- تهدیدات فراملی

برخی مانند «بوزان» موضوع «آسیب‌پذیری‌ها» را وجه داخلی ناامنی و «تهدیدها» را وجه خارجی آن می‌دانند.

الف) می‌توان تهدیدهایی را که می‌توانند امنیت داخلی کشورها را به چالش بکشند به شرح ذیل برشمرد: نابرابری اقتصادی، تأثیرات ناشی از فشارهای اقتصادی، رشد نامتوازن جمعیت، اقلیت‌های قومی و مذهبی، اختلاف نژادی، بحران‌های سیاسی-اجتماعی، مناقشات داخلی، موقعیت نامناسب جغرافیایی، عدم وجود نیروی مسلح و پلیس قدرتمند، مسدود کردن راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز اعتراض و انتقاد، اقتصاد زیرزمینی، برخورد خشن با اندیشه‌های مشروع و آزادی‌های عمومی، بحران اخلاقی، جرائم رایانه‌ای.

ب) همچنین تهدیدات خارجی نیز وجوه مختلفی دارند که برخی از این وجوه عبارت‌اند از: جنگ و تهاجم نظامی، الحاق سرزمین کشوری به کشور دیگر، اشغال بدون درگیری، دخالت در امور داخلی کشور دیگر، براندازی، برهم خوردن توازن قوا، عملیات پنهان سیاسی، مناقشات بین‌المللی. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۸۹-۱۸۷)

برخی از تهدیدات امنیت داخلی

با توجه به موضوع تحقیق، همچنین ضرورت پرداختن به مباحث مربوط به امنیت داخلی، در اینجا تنها به شرح دو گروه از تهدیدات داخلی امنیت پرداخته می‌شود.

الف گروه‌های قومی

کشوری که متشکل از اقوام گوناگون است، همواره با تهدید قومی روبرو می‌باشد. نوع برخورد قوم حاکم با سایر اقوام، میزان مشروعیت نظام نزد اقوام گوناگون، خاطره و گذشته تاریخی مشترک اقوام باهمسایگان یا قدرت‌های خارجی دیگر، انسجام درونی یک قوم، چگونگی توزیع و ترکیب جمعیتی قوم و سرانجام موقعیت جغرافیایی و پراکندگی یک قوم، در میزان تهدیدکنندگی آن مؤثر هست. احساس گریز از مرکز که





در قومیت‌ها دیده می‌شود، به‌طور معمول آن‌ها را به‌سوی جدایی‌طلبی یا خودمختاری سوق می‌دهد (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۸۹-۱۸۷)

ب اقلیت‌های دینی

اقلیت‌های دینی کم‌وبیش، وضعیتی شبیه اقلیت‌های قومی دارند؛ با این تفاوت که این‌ها بیشتر ایدئولوژی رژیم حاکم و نه تمامیت ارضی آن را در معرض خطر قرار می‌دهند. گاهی به خاطر حاکمیت مذهب بر یک قوم، یا وضعیت ویژه جغرافیایی، یک اقلیت دینی علاوه بر ایدئولوژی، ارزش‌ها و اهداف دیگری مانند تمامیت ارضی کشور را نیز به مخاطره می‌اندازند. در هر صورت همان‌طور که در بحث اقلیت‌های قومی نیز گفته شد، اقلیت‌های دینی هنگامی که مشروعیت نظام سیاسی حاکم بر آن‌ها، به‌گونه‌ای زیر سؤال رفته باشد که حاضر شوند برای براندازی یا جدا شدن از آن اقدام کنند، به یک تهدیدکننده داخلی امنیت ملی مبدل می‌شوند و گرنه، نباید تنها به دلیل نداشتن اعتقاد به عقیده و ایدئولوژی اکثریت یا هیئت حاکمه، آن‌ها را عامل ناامنی داخلی دانست. اقلیت‌های دینی نیز برای پیشبرد اهدافشان به‌طور معمول خود را به هم‌کیشان یا قدرت‌های خارجی وصل می‌کنند. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۸۹-۱۸۷)

تقسیم‌بندی دیگر تهدیدات امنیت ملی

در یک تقسیم‌بندی دیگری تهدیدات به تهدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی دسته‌بندی می‌شوند که در ادامه به توضیح مختصر هر کدام پرداخته می‌شود.

الف) تهدیدات سیاسی

منظور از تهدید سیاسی، هر تهدیدی است که بدون در نظر گرفتن منبع آن، امنیت ملی کشورها را از لحاظ سیاسی با خطر مواجه می‌سازد. برای نمونه، بحران‌های پنج‌گانه‌ای که «لوسین پای و همکارانش» در کتاب خود تحت عنوان «بحران‌ها و توالی‌ها» یادآور می‌شود (هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع)، از مهم‌ترین تهدیدات سیاسی هستند که امنیت ملی کشورها- به‌ویژه کشورهای جهان سوم- را با خطر روبرو می‌سازند. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۲۳۰)

ب) تهدیدات اقتصادی

با توجه به جایگاه والا‌یی که امروزه اقتصاد در زندگی انسان‌ها یافته، تهدیدات اقتصادی از اهمیت روزافزونی برخوردار شده‌اند. در بسیاری از کشورها، رفاه اقتصادی به‌عنوان هدفی متوسط که در درجه دوم اهمیت قرار داشت، به یک هدف حیاتی تبدیل شده است. بر همین اساس هر تحول اقتصادی که این کشورها را از اهداف اولیه آن‌ها دور





سازد، به مثابه تهدیدی علیه امنیت ملی آنان ارزیابی می‌گردد؛ اما باید اذعان داشت که تهدیدات اقتصادی، همچون تهدیدات سیاسی یا نظامی مستقیماً بر تغییر ایدئولوژی یا اساس فیزیکی یک کشور، دلالت نمی‌کنند. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۲۳۷).

ج تهدیدات اجتماعی و فرهنگی

فرهنگ و ارزش‌های مشترک از عوامل قوام هر کشورند. اکثر نظام‌های سیاسی در کنار دیگر عوامل، گسترش و حفظ ارزش‌های دلخواه خود را جزء اهداف و منافع ملی به شمار می‌آورند. با چنین برداشتی، عواملی که به تضعیف یا نابودی این ارزش‌ها و فرهنگ مشترک می‌انجامد، باید جزء تهدیدات اجتماعی و فرهنگی امنیت ملی تلقی شود. خصیصه‌ای که این تهدیدات را از دیگر تهدیدات امنیت ملی متمایز می‌سازد، عامل فراگیری و تداوم آن است. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۲۴۷). با در نظر گرفتن عملکرد جریان‌های سلفی تکفیری در غرب در منطقه به خصوص در کشور عراق و سوریه و با توجه به مطالعات صورت گرفته و نظر خبرگان تهدیدهای زیر برای شمال غرب ایران در صورت تقویت فعالیت و تشکیل گروه‌های منسجم جریان‌های سلفی تکفیری در شمال غرب متصور است:

- افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز مانند اقدامات تروریستی، تخریب اماکن مقدس و ...؛
- تشکیل و افزایش گروه‌ها و احزاب افراط‌گرای غیرقانونی؛
- اثرگذاری بر اهل سنت ایرانی همسو و تندرو؛
- افزایش گرایش به خودمختاری و استقلال‌طلبی؛
- تخریب چهره بین‌المللی حاکمیت؛
- مشارکت هدفمند و یا کاهش مشارکت در انتخابات؛
- قطبی کردن جامعه و تشدید شکاف‌های اجتماعی؛
- سیاسی کردن مطالبات و خواسته‌های اهل سنت؛
- همگرایی با گروه‌های تندرو در خارج در نتیجه ناامن کردن مرزها و به خطر افتادن تمامیت ارزی؛

- تسهیل نفوذ و ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه و افزایش آفندهای جاسوسی؛
- تهدید ایده حاکمیت؛

- کاهش نفوذ جمهوری اسلامی در جهان اسلام و تضعیف راهبرد وحدت اسلام؛
- تغییر رویکرد مقابله با استکبار و رژیم صهیونیستی در منطقه و افزایش شیعه‌هراسی؛
- کاهش اتحاد و انسجام ملی و تضعیف هویت ملی به عنوان یک عامل وحدت‌آفرین؛





-افزایش قاچاق سلاح مهمات و مواد انفجاری و هدایت سازمان یافته اقلام ضد فرهنگی. محیط‌شناسی و جغرافیای مناطق کردنشین:

محیط امنیتی هر جامعه‌ای تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت، فرم‌اسیون‌های اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، عقیدتی و ارزش‌ها، مشارکت مردمی) و محیط خارجی (ساختار قدرت، نظم و یا بی‌نظمی جهانی، فناوری، مسابقه‌ی تسلیحاتی و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی) است. چنین محیطی امنیتی، همواره حامل «تهدیدها» و «فرصت‌هایی» است؛ که واحدهای ملی به میزان موقعیت و منزلتشان از آنان نصیبی می‌برند.

وضعیت کردها در منطقه غرب آسیا و ایران:

کردستان، میان پنج دولت خاورمیانه‌ای یعنی ایران، ترکیه، سوریه، عراق و ارمنستان و میان چهارساله تمدنی و فرهنگی، میان چهار فلات، یعنی ایران، عربستان، آناتولی و قفقاز و در مسیر یک گذرگاه بین‌قاره‌ای آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است. این منطقه از نظر اکولوژیکی، زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد این منطقه مرتفع، بخش‌هایی از غرب و شمال غرب ایران، شرق، جنوب شرق ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را دربرمی‌گیرد و بر فلات‌ها و سرزمین‌های کم ارتفاع اطراف خود مشرف است. محدوده کردنشین‌های خاورمیانه، فضایی تقریبی است میان کوه آرات به سمت جنوب تاشهرهای ارومیه، سنندج و کرمانشاه در ایران و سپس به سمت غرب تا مندلی و از آنجا به موصل و جزیره در عراق و سپس به سمت غرب تا قامشلی در سوریه و شرق اسکندرون در ترکیه و سپس به سمت شرق تا آرات امتداد می‌یابد. صعب بودن منطقه و استعداد رزمی مهیب ساکنان کردستان، همیشه آنجا را به‌صورت مرز طبیعی، امپراتوری‌هایی درآورده است که در جوار آن پا گرفته‌اند.

اغلب کردهای ایران در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه زندگی می‌کنند. البته در برخی مناطق دیگر از جمله استان‌های لرستان، خراسان، ایلام، گیلان و حتی قزوین، جمعیتی از گردها اسکان دارند که در زمان شاه‌عباس صفوی به‌اجبار از کردستان به این مناطق کوچ داده شده‌اند. اینک جمعیت کردهای ایران حدود ۱۰ درصد کل جمعیت کشور می‌باشد که از این میزان حدود ۸۰ درصد سنی مذهب و بقیه اهل تشیع هستند. (فیروزی، ۱۳۸۴، ص: ۱۳-۱۴).

از نظر عملیاتی مناطق کردنشین مورد مطالعه به پنج منطقه تقسیم گردیده‌اند:

۱- منطقه شمالی



این منطقه شامل شهرهای ارومیه، سلماس، خوی، ماکو و سیه چشمه می‌باشد. (استان آذربایجان غربی) ارتفاعات این منطقه از شمال ماکو شروع شده و تا ارتفاعات دالامپر داغ مرز مشترک ترکیه-ایران-عراق ادامه دارد. در شمال منطقه دره قطور پیچیدگی زیادی دارد و در قسمت جنوبی آن ارتفاعات دامپر داغ واقع شده است. دره بسیار بلند و طولانی قاسملو که ارومیه و اشنویه را به همدیگر متصل می‌کند در این ارتفاعات قرار دارد.

این منطقه دارای سرزمینی پیچیده است که عملیات یگان‌های کوچک چریکی را امکان‌پذیر می‌نماید و عملیات برای یگان‌های عمده نظامی را تا حد زیادی با مشکل مواجه می‌نماید. به دلیل وجود مرز ترکیه و عراق در این رشته ارتفاعات شرایط مساعدی را برای عملیات گروه‌های مسلح ضدانقلاب به‌خصوص پژاک فراهم نموده است.

۲- منطقه مرکزی شمال:

این منطقه شامل شهرهای اشنویه، محمدیار، نقده، پیرانشهر، سردشت و مهاباد می‌باشد در حاشیه مرز ایران و عراق ارتفاعات بلند و سرکش وجود دارد و حرکات در این منطقه محدود به جاده‌ها و گره‌های مواصلاتی است و از محدوده پیرانشهر تا سردشت ارتفاعات حاشیه مرز پوشیده از درختان کوتاه و متوسط و به‌صورت نسبتاً فشرده است و در فصل زمستان اکثر محورهای مواصلاتی به علت بارش برف و سرمای شدید، محدودیت در حرکات را دارند.

۳- منطقه مرکزی شرق

این منطقه شامل شهرهای بوکان، میاندوآب، شاهین‌دژ، تکاب و بیجار است. اکثریت جمعیت این شهرها به‌جز (بوکان) از شیعیان می‌باشد. این منطقه دارای ارتفاعات بسیار مرتفع و بلند و همچنین ییلاق‌های زیادی است که مورد استفاده جمعیت ساکن آن قرار می‌گیرد. از ارتفاعات شاخص در منطقه می‌توان ارتفاعات تخت سلیمان را نام برد.

۴- منطقه مرکزی

این منطقه شامل شهرهای بانه، سقز، مریوان، دهگلان، قروه، دیواندره و سنندج است. سلسله ارتفاعات معروف به چهل چشمه در مرکز این منطقه است. این ارتفاعات که دارای عرض و عمق زیادی است از سنندج تا بریدگی شیلر و از شمال تا بانه و گردنه خان امتداد دارد و به‌عنوان پایگاه ثابت برای نیروهای ضدانقلاب مورد استفاده می‌باشد. فرورفتگی شیلر به عمق ۳۵ کیلومتر در خاک ایران باعث شده است این محور مورد توجه قرار گیرد و شهرهای بانه، سقز، دیواندره و مریوان را به شهرهای مرزی تبدیل نماید.





۵- منطقه جنوبی

این منطقه شامل شهرهای اورامانات است و شهرهای کامیاران، روانسر، جوانرود، ثلاث باباجانی، پاوه و نوسود را دربرمی گیرد. وجود ارتفاعات ماکوان، طویله و شاهور و دره عمیق کلش در منطقه پان را بسیار پیچیده و مشکل نموده است. ارتفاعات اورامانات قله زیادی دارد که از مرز به داخل کشور امتداد یافته که قله معروف آن شاه‌نشین به ارتفاع ۳۲۰۰ متر است. (علاماتی، ۱۳۹۲، ص. ۶۴-۶۵)

جریان‌ات سلفی فعال در شمال غرب ایران:

گروه‌های سنی غرب ایران در سه دسته قابل تقسیم است، دسته اول شامل گروه‌های وابسته به اخوان المسلمین است که رسمی‌ترین گروهی می‌توان در این زمینه ذکر کرد «جماعت دعوت و اصلاح ایران» می‌باشد که خود به را به‌نوعی اخوان المسلمین ایرانی معرفی می‌کند. دسته دوم عبارت‌اند از «توحید و جهاد، انصار الاسلام، انصار السنه و کتائب کردستان» و چند گروه دیگر که وابسته به القاعده در کشور عراق می‌باشند و دست به اقدامات تروریستی در منطقه می‌زنند. دسته سوم نیز گروه‌های بومی سلفی غرب ایران است که در این قسمت می‌توان «مکتب قرآن» و «شورای شمس» را نام برد که احمد مفتی زاده در هر دوی آن‌ها نقش مؤسس را داشته است. (صباحی گرا خانی، ۱۳۹۴).

راهبرد دفاعی - امنیتی:

راهبرد دفاعی- امنیتی طرح و الگوی کلان و جامعی است که در آن از طریق کاربرد تجمیعی و تحمیلی ظرفیت‌های نظامی، اقتصادی، جغرافیایی و اجتماعی- فرهنگی، اهداف دفاعی ملی کشور محقق می‌شوند. بنابراین شیوه‌های به‌کارگیری «راهبرد دفاعی- امنیتی» مؤلفه‌های مختلف قدرت ملی را برای تحقق اهداف دفاعی- امنیتی کشور در راستای سیاست‌های ملی تعیین می‌کند. بر مبنای این تعریف، کارکرد راهبرد دفاعی هماهنگ‌سازی کاربرد قابلیت‌های نظامی و غیرنظامی یک کشور در دفاع از منافع ملی و ارزش‌ها و آرمان‌های آن می‌باشد و در آن اهداف امنیت ملی به اهداف دفاعی و سیاست‌های ملی به سیاست‌های دفاعی و دکترین امنیت ملی به دکترین دفاعی تبدیل می‌شود و اهداف اصلی استراتژی نظامی تولید می‌شوند. (دانش آشتیانی، ۱۳۹۱: ۱۲۶)

راهبرد دفاعی- امنیتی ایران

الف - پیشینه:





راهبرد امنیتی ایران از سال‌های جنگ جهانی دوم تاکنون، حداقل به دو مقطع اساسی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قابل تقسیم بندی است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به دو دلیل ماهیت رژیم شاهنشاهی و نیز شرایط حاکم بر نظام بین‌المللی، راهبرد اساسی نظام به امنیت خویش، متأثر از نگاه غرب و منازعه‌ی دو بلوک شرق و غرب و در چارچوب نظریه‌ی دست‌نشانده‌ی مورد اشاره «گازیوروسکی» قابل تبیین می‌باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز حداقل گفتمان‌ها یا راهبردهای مختلفی در مورد سیاست‌های امنیتی از سوی محققان مورد شناسایی قرار گرفته است. (افتخاری، ۱۳۷۸)

فارغ از قضاوت در مورد میزان انطباق چنین دیدگاه‌هایی در مورد میزان انطباق چنین دیدگاه‌هایی در مورد واقعیات جامعه ایرانی در سال‌های مورد بی اشاره، بی‌شک در سال‌های جاری و آتی، هم به دلیل تحولات داخلی ایران و هم تحولات نظام بین‌المللی که یکی از مهم‌ترین ابعاد آن فرایند جهانی‌شدن است، شرایط، مقتضیات و چالش‌های امنیتی جدیدی در مقابل سیاست‌گذاران امنیتی کشور به وجود آمده و یا خواهد آمد که برای مواجهه با آن‌ها، اتخاذ سیاست‌های امنیتی جدید امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. گستره و دایره‌ی امنیتی جوامع، به اندازه‌ی زیادی، به آرمان‌ها و ارزش‌های مطلوب در جامعه بستگی دارد. (صفری، افتخاری و بغدادی، ۱۳۸۹: ۱۸)

ب- تصمیم‌گیرندگان عمده:

در اصل یک‌صد و هفتاد و ششم قانون اساسی در این مورد چنین آمده است:
 به‌منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد:
 ۱- تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده‌ی سیاست کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری؛

۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی-امنیتی؛

۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

ج- شاخص‌ها:

ج.۱. ایران برای مواجهه با چالش‌های امنیتی جدید و همتای خویش در آینده و نیاز به اتخاذ یک سیاست‌گذاری امنیتی بومی دارد که مبتنی بر آرمان‌ها و ارزش‌های مطلوب





ملت ایران و توانایی‌ها و امکانات آن می‌باشد. شاخص‌های راهبرد امنیتی در چارچوب سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی کشور که در تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۸۲ به تأیید مقام معظم رهبری رسید، قابل‌بررسی است. شاخص‌های چشم‌انداز بیست‌ساله در امور فرهنگی، علمی و فناوری (با ۱۱ محور)، امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی (با ۱۶ محور)، امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی (با ۶ محور) و امور اقتصادی (با ۳ محور) است. (کلاهیچیان، ۸۱: ۱۳۸۴-۸۴)

(۱)- سیاسی:

(الف)- عرصه سیاست داخلی

((۱)). حاکمیت سیاسی با زمینه‌های: وحدت ملی، استقلال سیاسی، ثبات سیاسی، تمامیت ارضی؛

((۲)). مدیریت کلان نظام سیاسی، با زمینه‌های: یکپارچگی و مدیریت بحران؛

((۳)). حکومت و مردم با زمینه‌های: مشارکت سیاسی (انتخابات و ...)، جنبش‌های

اجتماعی (نافرمانی مدنی، اعتصاب‌ها، ناآرامی‌ها و...)، مقبولیت حکومت؛

((۴)). احزاب و گروه‌ها با زمینه‌های: احزاب و تشکلهای قانونی، احزاب و تشکلهای

غیرقانونی، روابط احزاب و تشکلهای با یکدیگر، گردش قدرت.

(ب)- عرصه‌ی سیاست خارجی

سیاست‌ها و راهبردها در حوزه‌ی سیاست خارج.

(۲). عرصه‌ی فرهنگی، اجتماعی

امنیت فرهنگی و اجتماعی، همبستگی اجتماعی، پژوهش‌های متناسب با توسعه،

رسانه‌ی جمعی، مراکز فرهنگی، مهاجرت.

(۳). عرصه‌ی اقتصادی

نظام اقتصادی (دولتی، آزاد، تعاونی)، امنیت اقتصادی، تولید، شبکه‌ی حمل‌ونقل،

ظرفیت اشتغال، کنترل جمعیت، جرائم اقتصادی.

(۴). عرصه‌ی دفاعی

نقاط آسیب‌پذیر در عرصه‌ی دفاعی، نقاط قوت در عرصه‌ی دفاعی، رهنامه‌ی دفاعی.

(کلاهیچیان، ۸۱: ۱۳۸۴-۸۴)

تجزیه و تحلیل داده‌ها:





به منظور تحلیل داده‌ها از روش کمی کردن یافته‌ها، از نرم‌افزارهای Excel و برای ارائه‌ی «راهنبرد» از فن SWOT و برای اولویت‌بندی راهنبردها از ماتریس QSPM بهره‌گیری شده است.

روش تحلیل SWOT:

عبارت SWOT برگرفته از حرف اول به عنوان مخفف چهار واژه به شرح زیر است که هرکدام معنی متفاوتی دارند:

S مخفف کلمه **Strength** به معنای قوت است.

W مخفف کلمه **Weakness** به معنای ضعف است.

O مخفف کلمه **Opportunity** به معنای فرصت است.

T مخفف کلمه **Threats** به معنای تهدیدها است.

شکل زیر تنها گوشه‌ای از فن‌های متعدد روش SWOT را نشان می‌دهد.



شکل (۱) مراحل جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق در گام اول، با استفاده از فن مصاحبه نخبگانی و در کنار آن مشاهده و مرور اسناد مربوطه، با روش تحلیل محتوای کیفی، جمع‌آوری اطلاعات صورت گرفت. در این مرحله به منظور دستیابی به نتایج دقیق‌تر با استفاده از ماتریس‌های ارزیابی محیط داخلی (IFE) و ماتریس ارزیابی محیط خارجی (EFE) و نظر نخبگان، داده‌های به دست آمده کمی گردید. در گام بعد نقاط قوت و ضعف، فرصتها و تهدیدهای شناسایی شده را وارد ماتریس SWOT کرده و راهنبردهای ترکیبی یا بهینه استخراج می‌شود سپس با استفاده از ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهنبرد QSPM اولویت‌بندی می‌شود.





جدول (۱): مجموع نمرات موزون عوامل داخلی و خارجی را نشان می‌دهد:

داخلی	مجموع موزون	خارجی	مجموع موزون	نمرات
قوت و ضعف	۴/۲۶۷	فرصت و تهدید	۴/۳۲۷	

جدول شماره (۲): میانگین گوی‌ها:

نقاط قوت	نقاط ضعف	تهدیدها	فرصت‌ها
۲/۴۱۲۸۰۵۸۶۲	۱/۹۴۹۲۶۸۰۱۹	۲/۱۴۹۱۰۲۹۴	۲/۱۹۵۸۲۶۳

جدول شماره (۳): مساحت فضاهای چهارگانه:

فضای قوت فرصت	فضای فرصت ضعف	فضای ضعف تهدید	فضای تهدید قوت
۴/۶۰۸۶۳۲۱۶۲	۴/۱۴۵۰۹۴۳۱۹	۴/۰۹۸۳۷۰۹۵۹	۴/۵۶۱۹۰۸۸

جدول (۴): مبتنی بر اعداد به‌دست‌آمده برای O، W، S و T داریم:

مجموع نمرات محور x ها (OT):	$\Sigma x = ۲/۴۱۲۸۰۵۸۶۲ + (-۲/۱۴۹۱۰۲۹۴) = ۰.۲۶$
مجموع نمرات محور y ها (SW):	$\Sigma y = ۲/۱۹۵۸۲۶۳ + (-۱/۹۴۹۲۶۸۰۱۹) = ۰.۲۴$

اکنون مختصات نقطه تلاقی نقاط (۰,۲۴ و ۰,۲۶) نشان‌دهنده مختصات وضعیت کنونی است.

شکل (۲): تعیین نوع راهبرد بر اساس مختصات





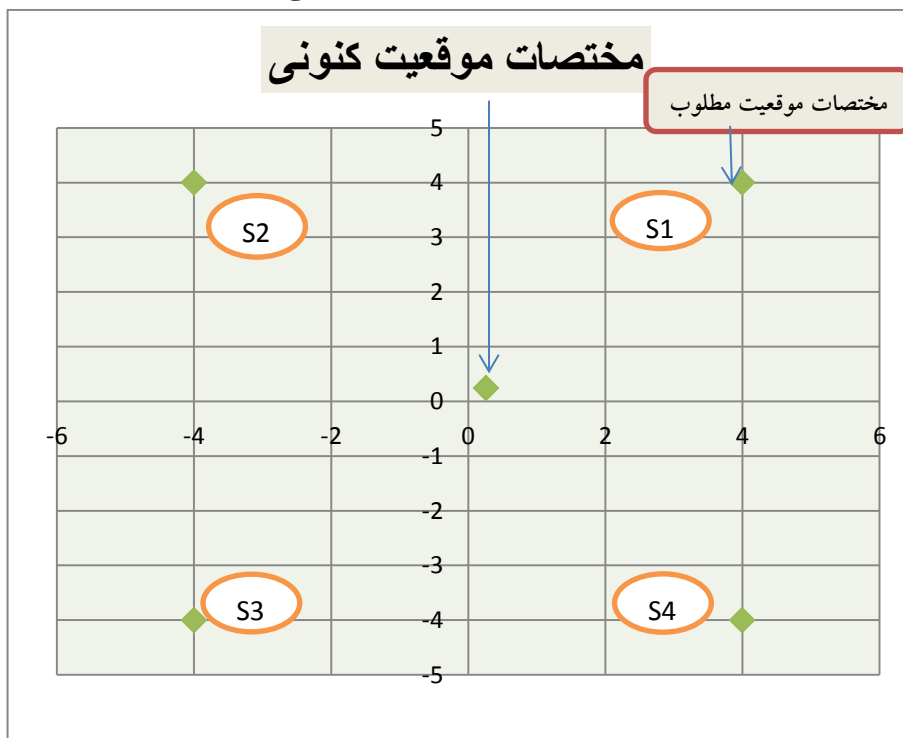
WO راهبردهای بازنگری
(مشارکتی)

SO راهبردهای تهاجمی

WT راهبردهای تدافعی

ST راهبردهای تنوعی
(رقابتی)

شکل (۳): شمای فضای محیطی





بر اساس شکل (۳) اگرچه نمودار در موقعیت تهاجمی قرار دارد ولی با وضع مطلوب فاصله داریم پس باید راهبردهای مناسب برای رسیدن به وضع مطلوب تدوین گردند. با توجه تهدیدات احصاء شده چنانچه از نقاط قوت داخلی و از فرصت‌های بیرونی استفاده نکنیم، تهدیدهای این جریان چالش آفرین خواهند شد و آسیب‌های جدی متوجه کشور خواهد گردید، بنابراین تدوین راهبردها با استفاده از همه فضاها موجود لازم و ضروری است تا نقاط ضعف را نیز پوشش دهد. در گام بعد با تشکیل ماتریس کمی برنامه‌ریزی (QSPM) میزان مطلوبیت و تأثیر هریک از راهبردها در بهره‌برداری از قوت‌ها به‌منظور جلوگیری یا برطرف نمودن تهدیدات و تأثیر راهبردها برای کاهش ضعف‌ها و تأثیر راهبردها به‌منظور بهره‌برداری از فرصت‌ها و تأثیر راهبردها به‌منظور خنثی‌سازی یا کاهش تهدیدها اولویت‌بندی می‌شوند و راهبردهای برتر مشخص می‌گردند.

نتیجه‌گیری:

مقام معظم رهبری دراهمت این موضوع در جمع مردم کردستان در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۴ فرمودند: «تأکید می‌کنم مسئله امروز این منطقه، مسئله امنیت است، شما توانسته‌اید حافظ امنیت باشید، این توان را باید در خودتان تقویت کنید، این مسئولیت مهم را همیشه بر دوش خودتان احساس کنید و من می‌گویم این احساس مسئولیت را به فرزندان و جوانانتان منتقل کنید این کشور و این ملت باید این حرکت را ادامه دهند دشمنی‌ها استمرار خواهد داشت باید روزبه‌روز هوشیارتر شویم.»

جمهوری اسلامی ایران از ابتدا در مناطق کردنشین و سنی نشین شمال غرب کشور با چالش‌های امنیتی مواجه بوده است که یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها فعالیت و گسترش گروه‌های افراطی اهل سنت (سلفیت) در این مناطق هست؛ بنابراین شناخت تهدیدها و فرصت‌ها و نقاط قوت و ضعف از ضروریات لازم جهت تدوین راهبردهای مقابله با این جریان است؛ در نتیجه پس از تجزیه و تحلیل عوامل محیط داخلی و خارجی، درنهایت راهبردهای مقابله‌ای می‌توان تأثیرات تهدیدهای جریان سلفی تکفیری را بر امنیت جمهوری اسلامی را کاهش داد.

مهم‌ترین نقاط قوت احصاء شده در منطقه:

-ولایت فقیه و ارائه الگوی حاکمیت دینی مبتنی بر عقلانیت به‌عنوان تکیه‌گاه وحدت‌آفرین و مرجعیت دینی در افزایش انسجام؛



- غلبه فرهنگ ایرانی اسلامی و سایه افکنی آن بر سر مسائل قومی مذهبی و هدیه شهدای زیادی از مناطق کردنشین شمال غرب به نظام؛

- پیشرفت های علمی، خودباوری و خوداتکایی و اعتماد به نفس ملی در زمینه ی زیرساخت ها و کارهای عمرانی در سخت ترین شرایط تحریم.

مهم ترین نقاط قابل بهبود احصاء شده در منطقه:

- نرخ بالای بیکاری، تورم و گرانی و انحصاری بودن برخی کالاها و نبود رقابت سالم و ارتزاق جمعیت قابل توجهی از جمعیت منطقه به جهت قاچاق؛

- کاهش روحیه انقلابی گری و رواج فرهنگ اسراف و تجمل گرایی در بین مسئولین و احساس سرخوردگی در بین موافقین با نظام.

مهم ترین فرصت های احصاء شده در منطقه:

- موقعیت ژئواکونومیک ایران در منطقه؛

- وجود اشتراکات فقهی، کلامی و عرفانی بین تشیع با برخی مذاهب اسلامی به عنوان عامل وحدت؛

- عوامل همگرا کننده دفاعی - امنیتی کشورهای منطقه و حمایت محور مقاومت از جمهوری اسلامی ایران.

مهم ترین تهدیدهای احصاء شده در منطقه:

- نفوذ تفکر اخوانی سلفی جهادی در اندیشه سیاسی اهل سنت شمال غرب؛

- تضعیف راهبرد وحدت اسلامی و گفتمان مقاومت با واگرایی اهل سنت از نظام جمهوری اسلامی ایران؛

- همکاری با سرویس های اطلاعاتی بیگانه و حمایت سرویس های اطلاعات جریانات سلفی و تکفیری؛

- ورود کالاهای غیر ضرور و غیرقانونی از مبادی غیررسمی.

پس از تعیین نقطه وضعیت کنونی کشور در نمودار باید راهبردهایی را در اولویت قرارداد که دارای جذابیت بیشتری باشند بنابراین از ۲۳ راهبرد اولیه ۱۶ راهبرد نهایی شد و با استفاده از ماتریس برنامه ریزی کمی ۷ راهبرد در نهایت انتخاب گردید.

راهبردهای منتخب با اولویت برتر:

اولویت اول: تقویت نقش ولایت فقیه به عنوان عامل وحدت آفرین میان مردم و دولت برای ایجاد همگرایی در جهت مقابله با جریان سلفی تکفیری و تأمین امنیت پایدار از طریق روشنگری با ابزارهای مختلف آموزشی، علمی و رسانه ای؛





اولویت دوم: امکان‌سنجی انتخاب و انتصاب مدیران محلی برای کنترل و کاهش ایجاد شکاف با حاکمیت و نظارت بر عملکرد آن‌ها و همچنین پررنگ کردن نقش ماموستا‌ها موافق و همراه برای پر کردن خلأهای موجود.

اولویت سوم: استفاده از فرصت فضای مجازی و تقویت و گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی و ایجاد شبکه‌های کرد زبان با تأکید بر مشترکات فرهنگی و اجتماعی برای سوارشدن بر جنگ روانی رسانه‌های دشمن.

اولویت چهارم: تقویت روحیه انقلابی و مدیریت جهادی و جلوگیری از افراط و تفریط مسئولین و استفاده از یک راهبرد واحد از سوی مسئولین جدای از خط بندی‌های سیاسی برای کنترل، تعدیل و غلبه بر تفکر سلفی تکفیری.

اولویت پنجم: جلوگیری دوقطبی سازی جامعه و تشدید شکاف‌های قومی و مذهبی با تفکیک جریانات سلفی تکفیری از بدنه اهل سنت و شناساندن اندیشه واقعی تکفیر و عقبه‌های فرا منطقه‌ای و اطلاعاتی آن‌ها.

اولویت ششم: جلوگیری از اثرگذاری جریانات سلفی تکفیری در اهل سنت با برقراری ارتباط مناسب و مؤثر با جریان‌های و گروه‌های سلفی معتدل و تقریبی و استفاده از تصوف اسلامی برای همگرایی اهل سنت و مهار جریانات سلفی تکفیری.

اولویت هفتم: بهبود شاخص‌های عدالت اجتماعی و توجه بیشتر به عدالت توزیعی، اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی با استفاده از موقعیت ژئواکونومیک منطقه و همچنین شناسایی و سرمایه‌گذاری برای استعدادهای اقتصادی شمال غرب کشور در جهت ارتقای رفاه، کاهش فقر و بیکاری.

منابع:

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، **کالبدشکافی تهدید**، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.
- اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۵)، **راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی در مقابله با جریان تکفیری**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، پژوهشکده دفاعی امنیتی.
- جهانی، محمد (۱۳۹۱)، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام حسین (ع)، **اقلیت مذهبی در بلوچستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**.
- دانش آشتیانی، محمدباقر (۱۳۹۱)، الگویی برای مدیریت راهبرد دفاعی امنیتی، **فصلنامه ره نامه سیاست گذاری**، سال سوم، شماره دوم.
- سید نژاد، سید باقر (۱۳۸۹)، روند سلفی گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۱۳.
- شعبی، محمدرضا فرهمند، محمدباقر (۱۳۸۹)، **بررسی نقش فناوری های اطلاعاتی و اطلاعاتی نوین برافزایش توان تهدیدات نرم در جمهوری اسلامی ایران**، جلد دوم، تهران، دانشکده امام هادی (ع).
- صفری، سعید، افتخاری، اصغر و بغدادی، هادی، (۱۳۸۹)، **اولویت بندی راهبردهای دفاعی - امنیتی بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی**، **ماهنامه اطلاعات راهبردی**، شماره ۸۵.
- علاماتی، غلامرضا (۱۳۹۶)، **آسیب ها و تهدیدات درون نگر**، دانشگاه علی دفاع ملی.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۸)، **تهدید و امنیت**، تهران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، چاپ اول.

